

## درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۶

موضوع کلی: تفسیر سوره حمد

مصادف با: ۵ شعبان ۱۴۳۸

موضوع جزئی: آیه هفتم - امکان وصول به مقام منعمین و طرق آن

جلسه: ۵۲

### ﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

#### خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم در مورد بخش اول آیه هفتم جهات متعددی باید مورد بررسی قرار بگیرد، تا به اینجا مقصود از نعمت در این آیه و نیز مراد از «الذین انعمت علیهم» و همچنین درجات کسانی که از نعمت‌های خاص مورد نظر در این آیه بهره‌مند هستند و نیز مراحل مختلف همراهی با منعمین بحث کردیم.

آخرین بخشی که در این رابطه مطرح شد، همراهی و معیت درخواست کنندگان از خداوند برای هدایت بسوی صراط مستقیم و صراط منعمین است که از خدا می‌خواهند در این صراط قرار بگیرند و همراه و رفیق باشند، و این همراهی و معیت در آخرت و قیامت و نیز در عالم برزخ تابع همراهی و معیت در دنیا است، اگر کسی در مرحله اولی، یعنی در دنیا معیت و همراهی داشت، آنوقت می‌تواند در حین مردن و در عالم برزخ و نیز در قیامت همراه باشد.

#### امکان وصول به مقام منعمین

مطلبی که در ادامه بحث گذشته مناسب است درباره آن سخن بگوییم، بحث از امکان وصول به مقام منعمین است. نمازگزار وقتی از خداوند درخواست هدایت به صراط منعمین دارد به معنای این است که می‌خواهد در مسیری که آنها حرکت می‌کنند، حرکت کند. همراهی با آنها که دارای مقامات ویژه هستند غیر از وصول به خود مقامات آنها است، مسئله معیت و همراهی با آنها هرچند دشوار است و سلوک در این طریق به سادگی میسر نیست ولی هرچه باشد، این غیر از وصول به مقام «انعمت علیهم» است، آنجا بحث امکان مفروغ عنه است اما آیا رسیدن به مقام منعمین ممکن است یا خیر؟

نعمت‌هایی که خداوند به آنها داده است، نعمت صدق و نبوت و شهادت بر اعمال و صلاح است، صلاح بالاتر از عمل صالح است، اینکه «من الصالحین» باشد، تارة تعبیر به «الذین عملوا الصالحات» می‌کند و اُخری تعبیر این است که «کنت من الصالحین» عمل صالح کردن غیر از این است که از صالحین باشد.

حال آیا امکان وصول به این مقامات برای نمازگزارانی که این درخواست را از خدا می‌کنند هست یا خیر؟

راه نبوت به عنوان نعمت خاصی که خداوند به برگزیدگان از انسان‌ها و آفریدگاران خودش عطا کرده، بسته است، یعنی امکان وصول به مقام نبوت برای سالکان صراط مستقیم نیست، آن یک فرایند خاصی دارد و خداوند متعال انسان‌های خاصی را برگزیده تا حامل پیام الهی باشند، وحی را دریافت کنند و بعد به تبلیغ و هدایت ارشاد مردم بپردازند، اولیاء

خاص خدا، یعنی اهل بیت پیامبر هم که به مقام امامت و ولایت رسیده‌اند، آن‌هم در واقع مقامی است که وصول آن برای دیگران ممکن نیست.

اما غیر از نعمت نبوت و ولایت، بقیه نعمت‌ها برای دیگران قابل وصول است، یعنی انسان‌ها می‌توانند به مقام صدق، مقام صادقین، به شرط اینکه صدق و صادقین را به معنای خاصی که منطبق بر اهل بیت است نگیریم، چون در بعضی از روایات، آیه «کونوا مع الصادقین» تطبیق شده است بر اهل بیت پیامبر، یا مقام شهادت بر اعمال، طبق بعضی از روایات اختصاص به معصومین دارد، در بعضی از روایات «نحن من الصادقین» دارد، یا در بعضی از روایات دارد «و نحن شهداء»، همچنین در مورد صالحین به هر حال اگر ما صادقین، صالحین و شهداء به معنای شاهدان بر اعمال را منطبق کنیم بر خصوص اولیاء الهی و معصومین، راه این هم بسته است، چه اینکه در بعضی از روایات این انطباق صورت گرفته است، یعنی اینها از مصادیق کامله و عالیله این اوصاف و این نعمتها و برخورداران از این نعمت بر شمرده شده‌اند.

پس نبوت چون اختصاص دارد به انسان‌های برگزیده‌ای که خداوند آنها را حامل پیام خودش کرده است، راه وصول به آن برای غیر انبیاء مسدود است، اما وصول به مقام صادقین و صالحین و شاهدین، چنانچه ما این نعمت‌ها را خاص برخی از انسان‌ها که برگزیده هستند بدانیم، راه این هم مسدود است، یعنی مراتب عالیله صادقین و صالحین و شاهدین برای انسان‌های معمولی غیر قابل دسترس است، هرچند می‌توانند به آن مقامات نزدیک شوند، اما فرق است بین قرب و وصول، اما اگر صادقین و شاهدین و صالحین را به یک معنای وسیعتری دانستیم که شامل غیر از معصوم هم شود و برای آن مراتبی قائل باشیم که مراتب عالیله آن مختص به معصومین باشد، آنوقت می‌توانیم بگوییم دستیابی به مقامات منعمین امکان دارد، پس امکان وصول به مقام منعمین در یک فرض هست، و در یک فرض نیست، اگر ما منعمین را فقط انبیاء و پیامبر اسلام و اهل بیت پیامبر دانستیم امکان وصول به آن مقامات برای ما نیست، اگر منحصر به آنها ندانستیم و ذو مراتب دانستیم، قهراً امکان وصول به مراتب مادون مرتبه اولیاء خاصه خدا برای ما فراهم است.

به یک معنا اگر ما بگوییم صراط منعمین، صراط مستقیم است، در حقیقت هرچه آنها در زوایای زندگی خود دارند صراط مستقیم است، چون حتی برای لحظه‌ای و ذره‌ای انحراف و بیراهه در آنها راه ندارد، اما پایین‌تر از آن مقامات، هر شخص دیگری باشد ولو عارفان واصل و سالکان طریق، باز هم نقص دارند، درست است صراط آنها برای ما یک هدایت است اما می‌توانیم هدایت را به سوی یک مرتبه بالاتر و نزدیک‌تر به صراط منعمین طلب کنیم، اما با این حال دارای یک نقص‌ها و تاریکی‌هایی هست، وجودات مقدسه معصومین عین نور هستند اما، غیر معصومین، حتی اگر تالی تلو معصوم باشد می‌توانیم بگوییم فی الجمله وجوداتشان عین نور است، اما پایین‌تر از آنها بالاخره در لحظه‌هایی که غفلت آنها را فرا می‌گیرد دارای نقص و تاریکی هستند.

پس بقیه به غیر از معصومین، سالکان و رهروان این صراط می‌شوند ولو نزدیکترین افراد به «الذین انعمت علیهم» باشند. اساساً اینکه در این آیه هم آمده است «الذین انعمت علیهم» یعنی خداوند به اینها نعمت داده است، خداوند نعمت

نبوت و صدق و صلاح و شهادت را به انسان‌های برگزیده می‌دهد، بلکه دیگران هم اگر به این مقامات نزدیک شوند و مراتب ضعیفتری از این نعمتها را برخوردار شوند، آنها هم به هر حال یک قرب و نزدیکی به آن مقامات پیدا می‌کنند ولی باز به خود آن مقامات نمی‌رسند، چون وصول به آن مقامان مبتنی بر یک ظرفیت وجودی و روحی است و این ظرفیت وجودی و روحی در غیر آنها وجود ندارد و اساساً برگزیده بودن آنها خودش بهترین دلیل است که دیگران امکان وصول ندارند. امکان وصول ندارند و نه امکان سلوک، فرق است بین این دو، امکان وصول برای ما نیست اما امکان سلوک و قرب برای همه انسان‌ها میباشد و هرچه سلوک قویتر باشد قهراً استقامت آن در صراط بیشتر خواهد بود، پس امکان وصول به مقامات منعمین طبق یک فرض وجود دارد و طبق فرض دیگر وجود ندارد، اما در مورد نبوت مطلقاً چنین چیزی وجود ندارد.

### **طرق وصول یا قرب به مقامات**

مطلب دوم که در تنظیم و تکمیل این بحث لازم است گفته شود این است که راه وصول یا قرب به این مقامات چیست؟ گرچه ما در گذشته در تفسیر «صراط مستقیم» و «صراط الذین انعمت علیهم» به این راه‌ها اشاره کردیم، مشخصاً اگر بخواهیم به دو عنصر اساسی برای وصول به این مقامات یا قرب به مقام منعمین اشاره کنیم عبارتند از: ۱. معرفت و ۲. عمل.

معرفت و شناخت مهم‌ترین رکن برای وصول به آن مقامات است یا برای قرب به مقام منعمین، انسان تا زمانی که شناخت نداشته باشد نسبت به چیزی اصلاً برای او امکان ندارد که نزدیک آن شود، شناخت و معرفت به معنای واقعی و در همه ابعاد، بسیاری از ما گمان می‌کنیم نسبت به مقام منعمین معرفت داریم، معرفتی که ما داریم واقعاً تا چه حد می‌توان اسم آن را معرفت گذاشت؟ آیا آگاهی و شناخت ما سطحی است یا عمیق؟ چه مقدار به سیره منعمین احاطه داریم و سیره اینها را می‌شناسیم؟ آیا شعبه‌های مختلفی که سیره منعمین دارد را بررسی کرده‌ایم؟ اینکه اینها چه کسانی بودند و چه کردند و برای چه آمدند و خدا برای چه اینها را اسوه قرار داد، اینکه از جزئی‌ترین و کوچک‌ترین رفتارها در زندگی مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد تا مسائل مهم و اساسی در زندگی، ما چقدر آشنا هستیم؟ واقعاً نقص بزرگی در بسیاری از ما وجود دارد، و طلاب و روحانیون هم در این جهت کم مقصر نیستند، اولاً شناخت خود ما چقدر ضعیف است، بسیاری از باورهایی که در ذهن ما نسبت به اهل بیت شکل گرفته است، باورهای درستی نیست، چقدر اهتمام داریم به معرفت و شناخت منعمین، دریایی از معرفت در وجود اینها نهفته است، دریایی از صبر و صفا و مهربانی و استقامت و شجاعت و پایداری در راه هدف در اینها وجود دارد، پس معرفت مهم‌ترین رکن و پایه وصول به مقام منعمین است، انسان هیچ‌وقت به سوی مجهول نمی‌تواند حرکت کند، حتی در آنجایی که می‌گوید سرگردان و بی هدف حرکت می‌کنم، باز هم تصویری ولو غیر واقعی و کاذب برای خودش ساخته است.

بعد از معرفت، عمل است، بسیاری از ما شناخت داریم ولی عامل نیستیم، می‌دانیم آنها در روابط بین خود و خدا در مناسباتشان با دیگران، در نحوه رفتارشان با طبیعت و محیط پیرامون خویش چگونه عمل می‌کردند، هم از ارتباط و نحوه ارتباط آنها با خدا خبر داریم، عبادت‌های آنها در طول سال چگونه بوده و هم در مواجهه با مردم شاهد نوع و سبک تعامل و زندگی آنها بوده‌ایم و هم با محیط پیرامون آنها، طبیعتی که به ظاهر بی‌جان است، اما تا چه حد به آنها یابند هستیم؟ چقدر عمل می‌کنیم؟ آنچه که می‌تواند ما را بالا ببرد عمل به دانسته‌های ما می‌باشد، با عمل است که ما می‌توانیم به آن مقام نزدیک شویم.

پس راه رسیدن به این مقام و موقعیت منعمین دو چیز است، معرفت و عمل، حال واقعاً بنده سوال می‌کنم که ما چقدر برای این دو جهت وقت می‌گذاریم؟ چقدر در مورد خداوند و اسماء حسناى خداوند، درباره قدرت و علم خداوند، چقدر میدانیم و چقدر تلاش کردیم باید نسبت به «الذین انعمت علیهم» اطلاع و معرفت و آگاهی بیشتری داشته باشیم، و بعد از آنکه دانستیم عمل کنیم. در هر جهت ما نقص‌های آشکار و روشن و فاحشی داریم، اگر این دو رکن را در خودمان تقویت کردیم، یعنی معرفت و عمل را، آنوقت می‌توانیم از جمله کسانی شویم که خداوند به آنها نعمت داده است، «الذین انعم الله علیهم»، با آنها بشویم و از آنها شویم، در فرض امکان وصول با تفسیری که کردیم.

### **بحث جلسه آینده**

در اینجا روایاتی داریم که بر اساس این روایات انعمت علیهم معرفی شده‌اند، آنچه را که ما گفتیم و شرح دادیم و توضیح دادیم طبق برخی از روایات معرفی شده‌اند که این «الذین انعمت علیهم» و «مغضوبین» و «ضالین» چه کسانی هستند.

«والحمد لله رب العالمین»